

تکریم صلح و رهایی نگاهی به رمان غول مدفون



حمید نامجو*

کتاب «غول مدفون» آخرین اثر «کازوئو ایشی گورو» نویسنده‌ی بریتانیایی ژاپنی‌الصل است. غول مدفون «رمان» به معنای مألوف آن نیست. بلکه اثری است مابین رمان و «رمانس». از این جهت رمانسی است درآمیخته‌ی اسطوره و حقیقت. حضور شخصیت‌های دنیای واقعی در میان اسطوره‌ها و موجودات خیالی، نظیر دیو و اژدها و دیگر موجودات افسانه‌ای و دست زدن به اعمال محیرالعقول و کمک گرفتن از جادو برای پیشبرد اهداف



شخصیت‌های واقعی، این اثر را به رمانس نزدیک می‌کند. از طرف دیگر به عکس رمانس‌ها، در پس آن اعمال، نیت‌ها و داوری‌های اخلاقی و معناهای ضمنی وجود دارد که رمانس‌ها از این ویژگی برخوردار نیستند. و از این جهت می‌توان آن را در ژانر رمان دسته‌بندی کرد. ماجراها و رخداد‌های این داستان، بی‌زمان و مکان هستند. یعنی اشاره‌ای صریح به زمان و مکان وقوع آن‌ها وجود ندارد، اما از برابر نهادن برخی نام‌ها نظیر «آرتور شاه» و هم‌چنین اسامی خاصی نظیر «ساکسون‌ها» و «برایتون‌ها» و هم‌چنین اشاره به آثار به جا مانده از دوران استیلای رومی‌ها بر انگلستان، می‌توان حدس زد که زمان ماجرای این داستان، قرون پنچ و شش میلادی است. رومی‌ها عملاً در اواخر قرن چهارم میلادی بریتانیا را ترک کردند، اما دو میراث‌ماندگار از خود برجای گذاشتند؛ یکی از آن‌ها «مسیحیت» بود و دیگری آوردن ساکسون‌ها به بریتانیا که اقوامی از قبایل «ژرمن» بودند و از شمال آلمان و هلند و با گذر از دریای شمال، در شرق و جنوب شرقی بریتانیا ساکن شدند. هجوم و استقرار قبایل ساکسون در بریتانیا موجب بروز جنگی طولانی میان این قبایل و ساکنین قدیمی آن سرزمین، یعنی برایتون‌ها شد.

*نویسنده و
منتقد

ساکسون‌ها، قبایلی جنگاور و مهاجم بودند و به تدریج برایتون‌ها را به سمت غرب راندند. شکست‌ها و پیروزی‌های مدام این قبایل، موجد به وجود آمدن افسانه‌ها و شخصیت‌های اسطوره‌ای شد که به نجات قوم و قبیله‌ی خود برخاستند. یکی از شخصیت‌هایی که در کتاب‌های مختلف و با ماجراها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارض حضور دارد، آرتور شاه است. آرتور شاه از برایتون‌ها بود. شخصیتی شجاع و دل‌آور که حدود صد شوالیه در اطراف خود داشت و آن‌ها برای مشاوره و رایزنی دور میز بزرگی گرد می‌آمدند.^۱ آرتور شاه علاقه‌مند به صلح بود، اما این صلح از نظر او با قلع و قمع مخالفین، یعنی ساکسون‌ها به دست می‌آمد.

در این رمان، جنگ جویی ساکسونی به نام «ویستن» سال‌ها بعد از مرگ آرتور شاه برای انتقام به پا خاسته است. هم‌چنین شوالیه‌ای پیر حضور دارد که برادرزاده‌ی آرتور است و در ظاهر وظیفه‌اش کشتن اژدهای سهمناکی به نام «گوئریک» است. یک زوج سال‌خورده هم برای دیدار فرزندشان عازم روستای مجاور هستند. نویسنده این چند نفر را با هم، هم‌سفر می‌کند و در جریان این سفر، ماجراهای غریبی برای آن‌ها پیش می‌آید. اتفاق غریبی که در میان آن قبایل افتاده است، وجود نوعی مه‌نامری است که باعث فراموشی می‌شود. یعنی گذشته را از دسترس انسان‌ها دور می‌کند. انسان بدون خاطره و بدون حافظه‌ی طولانی مدت در واقع موجودی است هیبوط کرده به دنیای حیوانی. این مه‌نتیج‌ی نفَسِ گوئریک است. به همین دلیل آن جنگ‌جو می‌خواهد اژدها را بکشد، تا ساکسون‌ها آن جنایت‌ها و قتل‌عام‌های سربازان آرتور را به یاد آورند و برای آزادی خودشان قیام کنند. زوج سال‌خورده می‌خواهند گوئریک بمیرد تا خاطره‌ی عشقشان و بود و نبود زندگی‌شان را به یاد آورند. در اواخر رمان درمی‌یابیم که شوالیه به عکس آن چه شایع است تعقیب‌کننده‌ی اژدها نیست، بلکه نگهبان اوست. مأموریت او مراقبت از اژدهاست که اکنون چنان پیر است که توان جنیندن ندارد، اما شوالیه می‌خواهد او زنده بماند. چون مردن او آن صلحی را که ناشی از فراموشی گذشته است به خطر می‌اندازد. در واقع آرتور شاه، این گونه صلح را مستقر کرده است. اول با قتل عام کودکان و به آتش کشیدن روستاهای دشمن؛ چرا که هریک از این کودکان، می‌توانند سرباز بالقوه‌ی دشمن باشند و در ادامه‌ی آن، حفاظت از جان اژدها که زندگی‌اش، معادل فراموشی است.

ژانر رمان حاصل دنیای مدرن است. تاریخ رمان و انگاره‌های بازنمایی شده در آن، برآمده و انعکاس‌دهنده‌ی هستی انسان در جهانی است راززدایی شده و عقلانی. رمان، هم‌چنین ابزار شناخت جهان است و منعکس‌کننده‌ی نیازها، آرمان‌ها، رویاها و به‌طور اعم، زیست و بود انسان در دنیای مدرن. دنیایی که ارزش‌ها و بنیان‌های جهان ماقبل خود را به نقد کشیده و اخلاقیات و انگاره‌های پایدار و ابدی قرون میانه را منحل یا بی‌معنا ساخته و در دریایی از باورهای متناقض و متضاد، معلق و شناور شده است. وقتی به تاریخ اولین رمان‌های جدید و

۱- این شوالیه‌ها بعدها به دل‌آوران می‌گرد شهرت یافتند.

انگیزه‌های نگارش آن‌ها نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که از قضا، انگیزه‌ی نگارش اولین رمان‌ها نظیر «دن کیشوت»، استهزای جهان رمانس و بازنمود انسان آرمانی و زندگی در رمانس است. آن‌چه «غول مدفون» را تبدیل به رمان می‌کند، به پرسش کشیدن رخدادها و نگره‌هایی است که در جهان رمانس بازنمود یافته است.

اشاره شد که زمان وقوع داستانِ غول مدفون، سده‌ی پنجم و شش میلادی در انگلستان است. اما انگاره‌ها و مفاهیم مورد کنکاشِ راویِ داستان به شدت معاصر و متعلق به زمانه‌ی ماست. نخستین پرسش درباره‌ی ارزش صلح است و آن‌چه مابه‌ازای آن باید پرداخت. آرتور پس از فاتح شدن در جنگ بر علیه ساکسون‌ها، با این بهانه که انگیزه‌های انتقام را از بین ببرد و هرگونه امکان خون‌خواهی و جنگ را منتفی سازد، به سربازان خود دستور می‌دهد که به روستاها بتازند و زنان و کودکان و کهن سالان را نابود کنند و خانه‌های آنان را به آتش بکشند. این فاجعه، موجب روی برتافتن تعدادی از عقلای لشکرش از جمله؛ «اکسل» که اکنون



یکی از آن زوج کهنسال است، می‌شود. آنان اردوی او را ترک کرده و به خیانت متهم می‌شوند. این فرمان به نوعی نسل‌کشی است. رسیدن به صلحی فراگیر از طریق پاک کردن صورت مسئله. این جنایت در بسیاری از حکومت‌هایی که در جهان مدرن داعیه‌ی نجات بشریت را داشتند، اتفاق افتاد. نسل‌کشی یهودیان

در آلمان، نسل‌کشیِ فلسطینیان در فلسطین و نسل‌کشیِ مردم ویتنام توسط آمریکایی‌ها، نمونه‌ی جنایت‌های منادیان صلح است. هم‌چنین در قرن گذشته می‌توان از نسل‌کشیِ سرخپوست‌ها، از قتل عام قوم مایا در مکزیک و قتل عام سیاه‌پوستان در کنگو توسط بلژیکی‌ها نام برد.

یکی دیگر از انگاره‌های این رمان، مسئله‌ی خاطره و فراموشی است. اکسل و همسرش می‌خواهند که خاطرات گذشته را مرور و شورِ عشق دوران جوانی را تجربه کنند، اما از به یاد آوردن آن عاجزاند. هم‌چنین چند بچه که مادر و پدرشان آن‌ها را فراموش کرده‌اند و آرزوی آن‌ها تکرار تجربه‌ی مهر مادری است. یا دختر بچه‌ی شیرینی که موجد سرزندگی و شادابی در روستاست، اما گم شدن او را هیچ کس متوجه نمی‌شود. تقریباً همه‌گان دچار فراموشی هستند. این زوج کهن سال در پی راه چاره و بیرون آمدن از این مه فراگیر هستند. وقتی مشکل را با پیرمردی خردمند طرح می‌کنند، او می‌گوید: شاید به این دلیل است که خدا

انسان را فراموش کرده است. آن‌ها، طی سفر خود به صومعه‌ای قدیمی می‌رسند و از راهبی دانا به نام «یوناس» یاری می‌خواهند. یوناس اشاره می‌کند که خاطره‌ها فقط صندوق چه ی خوشی‌ها و لذت‌ها و عشق‌های سپری شده نیستند. بلکه رنج‌ها و نامرادی‌ها و دشمنی‌ها و کینه‌ها نیز در همین صندوق چه است. بازگشت به گذشته لزوماً بازگشت به شادی‌ها و لذت‌ها نیست، بلکه احیاء کردن رنج‌ها و نامرادی‌ها و دلخوری‌ها و ناامیدی‌ها هم هست. کما این‌که پس از محو شدن آن‌ها، آن زوج عاشق به یاد بی‌وفایی‌ها و رنج ناشی از آن می‌افتند و همین، موجب جدایی بین آن‌ها می‌شود.

با این وجود یادها و خاطره‌ها، بخشی از هستی انسانی است و حذف آن به معنای حذف خاصگی زیست انسان است در قیاس با زیست دیگر جان‌داران، سقوط به دنیای حیوانی و بهیمنیت است. حتی اگر این یادآوری توأم با رنج باشد. مگر بدون به یادآوری گذشته می‌توان به آینده اندیشید. اصلاً نبود خاطره، معنای زمان و تقسیم‌بندی آن را باطل می‌کند. انسانی که همواره در زمان حال زندگی کند، درکی از مرگ و به تبع آن درکی از زندگی ندارد. کما این‌که در سایه‌ی آن فراموشی، همه‌ی ارزش‌ها و باورها رنگ می‌بازد و ارتباط او با جهان و با باقی انسان‌ها متوقف می‌شود و به هیچ سقوط می‌کند. فراموشی هم مانند نسل‌کشی، پاک کردن صورت مسئله است. و کنار هم گذاردن این دو مقوله در این رمان اتفاقی نیست، اجتناب‌ناپذیر است.

ایشی‌گورو، به‌رغم پیشینه‌ی شرقی‌اش، برآمده از رمان و ادبیات انگلیسی و رشد یافته در آن است. نثر او، نثری یک‌نواخت و آرام است و از هرگونه احساساتی‌گری، رمانتیسیم و غلیان احساسات و به‌کارگیری کلمات مطمئن و یا تصویر فضاهایی برانگیزاننده، پرهیز دارد. او نقش یک راوی بی‌طرف و حتی منفعل را به عهده می‌گیرد. نوشتن برای ایشی‌گورو، مثل ساختن یک بنای عظیم است که طرح و نقشه‌اش تنها در ذهن نویسنده است. همه‌ی جزئیات و تمام حرکات از پیش اندیشیده شده است و وقتی ساخت این بنا به اتمام رسید، ما به کلیت و کاربرد فضاها و اهمیت هر قطعه‌ی جزئی در آن آگاه می‌شویم. در واقع، او بخش‌های مختلف را جدا جدا به اتمام نمی‌رساند، بلکه ساخت تمام آن را با تأنی و سانتی متر به سانتی متر بالا می‌برد تا با گذاشتن آخرین آجر، کلیت آن و انگاره‌های پنهان او، بر خواننده آشکار شود. بی‌تردید هر جمله یا هر عبارت، بخشی از آن رمز و راز پنهان است و ارزش آن پس از آشکار شدن و یا حل شدن معما، هویدا می‌شود. و از این نظر، قرابتی تام با شگردها، گره‌زدن‌ها، گره‌گشایی‌ها و ساز و کارهای ژانر رمان پلیسی دارد. آن انگاره‌ی نهایی تا آخرین فصل رمان، حضورش نامرئی است و ناگهان در آخر رمان آن لفاف مات برداشته شده و حقیقت بر ما آشکار می‌شود.

رمان غول مدفون به‌رغم ریتم کُند آن، رمانی زیبا و تأمل‌برانگیز است. و رمانی است در تکریم صلح و رهایی و بر علیه فراموشی.